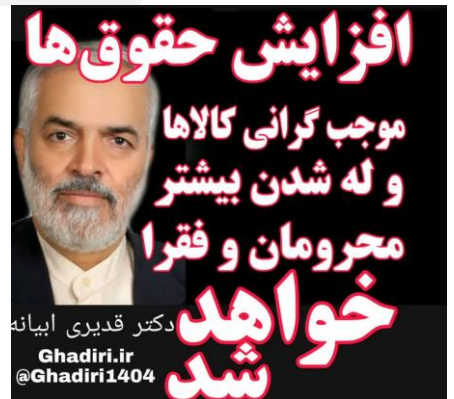




افزایش حقوق‌ها موجب گرانی کالاها و له‌شدن بیشتر محرومان و فقرا خواهد شد.



دکتر محمد حسن قدیری ایبانه

✓ لذا در این شرایط جرم پرداخت و دریافت حقوق نجومی سنگین‌تر است و خسارت آن بسیار بیشتر از مبلغی است که به عنوان حقوق نجومی پرداخت می‌شود.

✓ اما مجموع حقوق‌های نجومی چه مبلغی است؟

✓ اگر ما فرض کنیم که هزار نفر از مدیران هر یک مبلغی معادل ۵۰ میلیون تومان در ماه اضافه بر حق‌شان دریافت می‌کنند، مبلغ آن به ۵۰ میلیارد تومان در ماه می‌رسد.

✓ حالا اگر این ۵۰ میلیارد تومان را بین هشت و نیم میلیون حقوق بگیر، شامل شاغلین و بازنشسته‌ها (۸ و نیم میلیون نفر) تقسیم کنیم به هر نفر کمتر از ۶ هزار تومان در ماه می‌رسد.

✓ اگر این مبلغ را بین چهار و نیم میلیون بازنشسته تقسیم کنیم به هر نفر ماهیانه ۱۱۱۱۱ تومان می‌رسد.

✓ اما اگر این مبلغ را بین حدود یک میلیون معلم تقسیم کنیم حقوق هر معلم ماهیانه ۵۰ هزار تومان اضافه خواهد شد.

✓ حتماً باید به حقوق‌های نجومی پایان داد.

✓ اما در صورتی که این امر محقق گردد این مبالغ را باید به کدام قشر از جامعه داد؟

۱. بین همه حقوق‌بگیران دولت باید تقسیم کرد؟

۲. فقط بین بازنشستگان تقسیم شود؟

۳. فقط باید آن را بین معلمین تقسیم نمود؟

۴. یا اینکه آن را بین کسانی که بیکار هستند و یا بین محرومین و فقرا تقسیم نمود؟

✓ به نظر شما این پول باید بین کدام یک از چهار گزینه فوق تقسیم گردد؟

✓ به نظر من بهتر است این پول بین گزینه ۴ یعنی بیکاران، محرومین و فقرا تقسیم شود.

✓ پس در مرحله اول بهتر است که همه کارکنان دولت و حقوق‌بگیران بدانند که کاهش ارزش پول ملی و گرانی‌ها به دلیل پرداخت حقوق به تعداد زیاد شاغلین و بازنشستگان است.

✓ در مرحله دوم هم حقوق‌بگیران و هم مردم و محرومان بدانند که افزایش حقوق‌ها در شرایط فعلی، منجر به کاهش سریع‌تر ارزش پول ملی و افزایش سریع‌تر قیمت‌ها خواهد شد.

✓ پس کسانی که تقاضای افزایش حقوق می‌کنند نمی‌توانند ادعا کنند که با تقاضای افزایش حقوق به دنبال عدالت هستند.

✓ بلکه باید بدانند نتیجه اصرار آنها به افزایش حقوق در شرایط فعلی به معنی فقیرتر شدن فقرا و له‌شدن محرومین زیر بار گرانی‌هاست.*

✓ در شرایطی قرار داریم که دولت آقای رئیسی خزانه را خالی تحویل نگرفته بلکه با بدهی حدود ۲ میلیون میلیارد تومانی تحویل گرفته است.

✓ این مبلغ یعنی دولت به ازای هر ایرانی حدود ۲۴ میلیون تومان بدهی دارد.

✓ دولت برای سال ۱۴۰۰ حدود ۵۰۰ هزار میلیارد تومان کسری بودجه دارد.

✓ این مقدار کسری بودجه یعنی هر ماه حدود ۵۰۰ هزار تومان به ازای هر ایرانی کسری بودجه دارد.

✓ این مقدار کسری بودجه یعنی به ازای هر ایرانی هر ماه معادل حدود ۱۱ ماه پاره نقدی کسری بودجه دارد.

✓ دولت باید بابت سررسید سود اوراق مشارکتی که در گذشته دریافت و هزینه شده است ماهیانه ۱۰ الی ۱۳ هزار میلیارد تومان پرداخت نماید.

✓ غربی‌ها در اعمال تحریم‌های سخت علیه ایران عنوان می‌کردند که امیدواریم که این تحریم‌ها و فشارها، زندگی را بر مردم ایران سخت‌تر کرده و ایجاد نارضایتی نموده تا مردم علیه حکومت خود بشورند.

✓ اما مقاومت ملت ایران و همراهی با حکومت آنها را از نتیجه تحریم‌ها ناامید نمود.

✓ مذاکرات در وین برای لغو تحریم‌ها در جریان است.

✓ انجام اعتراضات و تظاهرات برای افزایش حقوق‌ها دشمن را به این نتیجه می‌رساند که تحریم‌ها موثر بوده است و لذا آنها را از لغو تحریم‌ها منصرف می‌کند.

✓ لذا اعتراضات و تقاضای افزایش حقوق، دشمنان را در ادامه تحریم‌ها سرسخت‌تر و موضع ایران را تضعیف می‌نماید.

✓ لذا این گونه راهپیمایی‌ها، اعتراضات و تقاضاها به ضرر اقتصاد کشور است و شرایط را برای عموم مردم سخت‌تر می‌کند.

✓ هرچند عده‌ای از کسانی که در راهپیمایی‌ها و اعتراضات و طرح تقاضاها مشارکت می‌کنند واقعاً هدفشان بهبود معیشت خودشان است، اما سرخ این تظاهرات قطعاً در دست دشمنان است و سرکردگان این نوع تجمع‌ها قطعاً در ارتباط با دشمن هستند.

✓ اما عده‌ای می‌گویند اگر دولت بودجه ندارد پس چطور یک عده حقوق نجومی دریافت می‌کنند؟

✓ آنها می‌گویند ما از تبعیض ناراحتیم و اگر تبعیض نباشد ما سختی‌ها را تحمل می‌کنیم.

✓ اما باید گفت که متأسفانه حقوق‌های نجومی در شرایطی پرداخت می‌شود که دولت دارای خزانه خالی بوده و بلکه بدهکاری بسیار زیادی دارد.

✓ *افزایش حقوق‌ها موجب کاهش ارزش پول ملی خواهد شد.*

✓ *کاهش ارزش پول ملی موجب افزایش سریع‌تر قیمت‌ها خواهد گردید.*

✓ *بر اثر افزایش قیمت‌ها انتشار آسیب‌پذیر به خصوص کسانی که حقوق‌بگیر نیستند در فلاکت خواهند افتاد.*

👉 *و اما دلایل آن!*

✓ اولاً دولت هر ماه باید به هشت و نیم میلیون نفر حقوق بدهد. (چهار میلیون شاغل و چهار میلیون بازنشسته.)

✓ اما پول کافی برای پرداخت حقوق این هشت و نیم میلیون نفر را ندارد.

✓ برای پرداخت پول ماهانه به این تعداد کارمند باید پول بدون پشتوانه چاپ کند.

✓ در حقیقت یکی از عوامل بسیار موثر در کاهش ارزش پول ملی و افزایش قیمت‌ها، پرداخت حقوق به این تعداد زیاد کارمندان و بازنشستگان حقوق بگیر است.

✓ در حال حاضر شاهد تقاضای کارکنان دولت اعم از شاغلین و بازنشستگان برای افزایش حقوق‌ها هستیم.

✓ اگر مجلس و دولت به تقاضای کارکنان دولت برای افزایش حقوق‌ها تن دهد باید پول بی‌پشتوانه بیشتری چاپ کنند.

✓ چاپ پول بی‌پشتوانه بیشتر یعنی کاهش سریع‌تر ارزش پول ملی.

✓ کاهش سریع‌تر ارزش پول ملی یعنی افزایش سریع‌تر قیمت‌ها.

✓ افزایش قیمت‌ها هم برای شاغلین هست و هم برای محرومان و کسانی که شغلی ندارند.

✓ در نتیجه انتشار محروم و فقیر جامعه فقیرتر شده و زیر دست و پا له خواهند شد.

✓ لذا افزایش حقوق‌ها در شرایط فعلی یعنی فقیرتر و محروم‌تر کردن محرومین کشور.

با قطع حقوق‌های نجومی مابه‌التفاوت را به چه اقشاری بدهند؟ کل مبلغ آن چقدر می‌شود؟

۴ و نیم میلیون بازنشسته) تقسیم کنند ماهیانه به هر یک از آنها ۵۸۸۲ تومان می‌رسد.

❗ اگر فقط بین یک میلیون معلم تقسیم کنند به هر یک از آنها ماهیانه ۵۰ هزار تومان می‌رسد.

❗ اگر این مبلغ را فقط بین ۴ و نیم میلیون بازنشسته اضافه کنند ماهیانه به هر بازنشسته ۱۱۱۱ تومان می‌رسد.

❗ به نظر بنده باید حقوق‌های نجومی را قطع کنند و این مبلغ را نه بین حقوق‌بگیران بلکه بین محرومان و بیکاران توزیع نمایند.

❗ حالا اگر فرض کنیم تعداد نجومی‌بگیران دو هزار نفر باشد که ۵۰ هزار تومان می‌رسد.

۴ و نیم میلیون تومان اضافه بر حقشان بگیرند رقم های فوق دو برابر می‌شود.

❗ باید حقوق‌های نجومی حذف گردد و آنچه بیشتر گرفته‌اند از حقوق‌شان بیرون کشیده شود.

❗ خسارت حقوق‌های نجومی بسیار بیشتر از مبلغ نجومی حقوق‌هاست و زیان آن به سرمایه اجتماعی لطمه بزرگی می‌زند.

❗ تأخیر در حذف حقوق‌های نجومی به هیچوجه جایز نیست.

❗ مجازات کسانی که حقوق نجومی داده‌اند و یا گرفته‌اند به قطع حقوق نجومی نباید محدود گردد.



❗ اگر فرض کنیم هزار نفر، نفری ۵۰ میلیون تومان بیش از حقشان دریافت کنند، می‌شود ماهیانه ۵۰ میلیارد تومان.

❗ اگر این مبلغ را بین کل حقوق‌بگیران یعنی ۸ و نیم میلیون نفر (شامل ۴ میلیون شاغل و

عوامل موثر بر ارزش پول ملی

۸. برخورد سخت با دارندگان با مفسدین
 ۹. خشکاندن ریشه‌های فساد
 ۱۰. اجتناب از چاپ پول بدون پشتوانه
 ۱۱. پرهیز از سفرهای خارجی
 ۱۲. پرهیز از اسراف
 ۱۳. سوق دادن سرمایه‌ها به سمت تولید و اجتناب از کارهای دلالی غیر ضرور
 ۱۵. پرهیز از کاهش مصنوعی قیمت‌ها از طریق اختصاص بارانه، بویژه اجتناب از بارانه‌های پنهان
 ۱۶. مقابله با قاچاق
 ۱۷. مهارت‌های کاری
- 👉 حال این سوال مطرح است که نقش مردم و هریک از ما در کاهش یا افزایش ارزش پول ملی چیست و چگونه می‌توانیم در افزایش ارزش پول ملی نقش‌آفرینی کنیم.

۹. به اینها اضافه کنید تحریم‌های گسترده دشمنان را.
- ### عوامل موثر بر افزایش ارزش پول ملی
۱. کاهش روزهای تعطیلات مناسبتی
 ۲. افزایش ساعات مفید کاری، پرکاری، تقویت فرهنگ کار، وجدان کار و بهروری و پرهیز از تنبلی
 ۳. کوچک کردن دولت و کاستن از افراد حقوق بگیر
 ۴. بالا بردن سن بازنشستگی، ترجیحاً به ۶۵ سال
 ۵. خصوصی سازی با سلامت
 ۶. ترجیح خرید کالاهای تولید ایران به کالاهای خارجی
 ۷. رعایت انضباط اجتماعی و اقتصادی

عوامل موثر بر کاهش ارزش پول ملی

۱. چاپ پول بدون پشتوانه (که برای پرداخت حقوق‌ها انجام می‌شود)
۲. زیاد بودن روزهای تعطیل، کم بودن ساعات مفید کاری، کاهش تولید ناشی از تنبلی، کم کاری، ضعف فرهنگ کار، وجدان کار و بهروری
۳. اسراف در مصرف و هدر دادن سرمایه با اسراف
۴. خودتحریمی: خرید کالاهای خارجی و ترجیح آن به کالاهای تولید کشور
۵. سفرهای خارجی ارز بر
۶. قاچاق
۷. بالا بودن تعداد کارکنان حکومت
۸. بازنشستگی در شرایطی که کارمندان هنوز توان کار دارند.

آیا می‌دانید میزان صادرات نفت خام کشورهای عربستان، امارات متحده عربی، کویت و قطر به ازای هر تبه این کشورها در یک سال به نسبت صادرات نفت خام ایران در شرایط قبل از تحریم (روزانه ۲۳۰۰۰۰۰ بشکه) معادل چند سال یک ایرانی است؟

یک سال صادرات نفت یک تبه عربستانی معادل ۱۸ سال، اماراتی ۶۰ سال، کویتی ۵۳ سال، قطری ۱۳۵ سال یک ایرانی

- هر مقایسه ای بین رفاهیات در ایرانی و کشورهای فوق باید با لحاظ واقعیات فوق در نظر گرفته شود.
- لازم به ذکر است که در شرایط تحریم گاهی صادرات نفت ایران بین ۱۰۰ هزار تا ۷۰۰ هزار بشکه در روز بوده است

- جمعیت بومی کویت یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر و صادرات نفت خام آن روزانه ۲ میلیون و ۵۰ هزار بشکه
- جمعیت قطر کمتر از ۴۰۰ هزار نفر و صادرات آن یک میلیون و ۴۸۰ هزار بشکه در روز
- جمعیت ایران ۸۴ میلیون نفر و صادرات نفت خام ایران قبل از تحریم دو میلیون و سیصد هزار بشکه در روز

👉 ملاحظات:

- جمعیت بومی عربستان ۲۲ میلیون و صادرات نفت خام آن ۱۰ میلیون و ۸۰۰ هزار بشکه در روز
- جمعیت بومی امارات یک میلیون ۴۰۰ هزار نفر و صادرات نفت خام آن دو میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز

میزان صادرات نفت امارات به ازای هر تبه آن به نسبت صادرات سال ۱۳۹۹ (۷۰۰ هزار بشکه در روز) معادل ۱۹۷ سال و به نسبت بودجه سال ۱۴۰۰ (روزانه ۱۴۰۰۰۰۰ بشکه روزانه) معادل قریب به ۱۰۰ سال یک ایرانی است.

کشور مثل کشتی پارویی است. دولت کاپیتان کشتی است. و همه مردم پاروزن آن هستند. هر کدام به وظایف خود عمل نکنند به مقصد نمی‌رسیم.

وضعیت کلان کشور نتیجه سبک اقتصادی و فرهنگی تک ایرانیان است و نه بالعکس. با اصلاح سبک اقتصادی و فرهنگی خود وضعیت کلان کشور را بهبود بخشیم.